

مَوْكَلًا مِنْ قَوْلِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَمَنْ قَالَ مَا نَلْنَا قَالَ لَهُ
الْمَلَكُ اِنَّ اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ قَدْ اَقْبَلَ عَلَيْكَ فَسَلِّ وَتَر
بِرَجُلٍ وَهِيَ قَوْلُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَقَالَ لَهُ سَلِّ فَقَدْ
نَظَرَ اللهُ الْمَلَكُ وَمَنْ سَأَلَ اللهُ الْجَنَّةَ نَلَّتْ مَرَاتٍ
قَالَتْ الْجَنَّةُ اللَّهُمَّ ادْخِلْهُ الْجَنَّةَ وَمَنْ اسْتَجَارَ مِنَ
النَّارِ نَلَّتْ مَرَاتٍ قَالَتْ النَّارُ اللَّهُمَّ اجْرِبْهُ مِنَ النَّارِ
فَمَنْ لَبَّى نَلَّتْ مَرَاتٍ مَثَلُهَا بَابُ اسْتِجَارَةِ زَيْنَا

خواستن اهلخانه زینارودن در صبح مستدرک حکم در وقت از اول
اما در بعضی از روایاتی که میفرماید حضرت خدیجه در آن وقت فرشته که موکل است
برگشت بگوید جمله یا ارحم الراحمین بگوید یعنی حکم است برای آنکه صلوات
کلی است پس قائلان آنکه هر کس بگوید یا ارحم الراحمین را سه بار
متوالی بگوید او را آن فرشته بخشنم ارحم الراحمین توبه فرموده است بجان
و باقی صفت نعت خدیجه بر لبس نجواه از خدا بر خواهی قوله و مترجمی این
آیه در صبح مستدرک حکم مروی است از انس رضی الله عنه که ذکر کرد که حضرت خدیجه
بدر و حال آنکه آنقدر میگفت یا ارحم الراحمین پس فرمود خدیجه آنکه در آنجا
از خدا بر خواهی زیرا که تحقیق نظر حرکت در حان کردن است خدا تعالی
سپس توبه فرمود که مشافهت کرد است ارحم الراحمین تا آنکه از مادر که بر فرزند خود است
مکاتب رحمت دارد و مانند مادر بخلق دوست و بار داده است پس در حقیقت
لا ارحم الا الله قولی من سأل الله الجنة اية آية و در سنن ترمذی است
ماجد و صحیح ابن حبان و مستدرک حکم در وقت از انس رضی الله عنه که میفرماید

انعم

فرموده است هر که سوال کند از خدا بربان قال یا رب یا رب حال جنس بهشت را
بگوید فرمود معین با هر فردی از افراد بهشت با هر که سوال کند از خدا بربان
معین را از جنس بهشت بگوید آن فرد معین با هر فردی از افراد بهشت با هر که
واض کن او را درین پس معرف دوم غیر معرف اول است در وقت که در
کلام مجاز حذف باشد ای قائلش حضرت خدیجه یعنی بگوید خدا زمان بهشت
با هر که ایاد را در او در بهشت پس قول مجمل است بر حقیقت توبه و من استجیر
العلی یعنی در هر چه کتاب مظهر و است از انس رضی الله عنه که رسول خدا
فرموده است هر که زینهار خود را در جنس دوزخ بسیار بگوید هر فردی از افراد
با خازن دوزخ با هر که ایاد زینهار داده او را ازین با دوزخ قول از جنس
و نار رواست که حقیقت با آنست که هیچ بعد نیست درین جا که در قول
تعالی است و لقول علی بن خدیجه و رواست که استقامت باشد یعنی
استحقاق بنی سبیب و عدو و عید الی بحیث دار شد با آنست بطریق
ناطلی در تحقیق و نبوت آن و عید و کما که بهشت متناهی است پس
آن بنی و دعا است دخول او را در دوزخ و دوزخ نفوت دارد از آن جنس
و دعا است بعد از آن از خود پس مراد با طلاق قول جنس تا تحقیق و توبه
شوق جنس و نفوت نار است در کما که خدیجه نباشد بخیر مصفا
پس استاد قول بسوی جنس مثلها جز نیست که از الطبیعی با عدوت
که مفهوم نمی لغت در عدد مضمون علیه معبر نیست پس اگر زینهار که در
مانند که عدد مضمون علیه است هر آینه مرتب است بر آن زیاد است
که در کور است در عدد مضمون علیه پس آنچه بعضی مردم گفته اند که زیاد است